

پیام نوین

دوره هفتم تیر ماه ۱۳۴۴ شماره ۶ (۷۸ مسلسل)

رحیم هاشم

نامزد علوم زبان‌شناسی

نشر امروز تاجیکستان

این مقاله از انستیتوی زبان و ادبیات تاجیکستان بدتر مجله رسیده است. برای اینکه خوانندگان گرامی بروش نویسدگی امروزه آن جمهوری آشنا شوند عیناً بجاپ میرسد.

در شراخط نو، پیشرفت ادبیات تاجیک در پیش‌نظم و شرما وظیفه‌های بسا مهمی می‌ایستاند. اولین و مهمترین این وظیفه‌ها که حیان در شرایط نو بنزد ادبیات ددره شوروی تاجیک می‌گذاشت، به عامه وسیع خوانندگان، به نوده پیش از انقلاب از نعمت سواد و فیض کتاب و ادبیات بی نصیب، نزدیک نمودن ادبیات بود.

در دوره حیات نوی که در کشور تاجیک نشین شروع گردید پادبیات لازم بود که ترجمان احوال توده، ترجمان حیات و آئینه حیات مردم ایجاد کار ما گردد، ترنم‌کننده و سراینده کامیابی‌های نو آن شود.

نشر پیش از انقلابی تاجیک موقسی را که عموماً شر باید در منتهای امروزه اش در ادبیات اشعار نماید، نداشت.

نثر، سادگی، روانی، حکمت آموزی يك وقتها داشته خود را در عصر
آخر از دست داده بود.

مضمون‌های صوفی‌منشانه، مضمون‌های پرازمباله، تملق‌کارانه، دوران
حیات واقعی، با استعمال عبارت (۱)‌های خیلی پیچ در پیچ، صنعت عالی‌نثر نویسی
شمار گرفت.

حکایه‌های اخلاقی و پند آموزانه حکمت و حکایه‌های گلستان سعدی و
بهارستان جامی و امثال آن را گم کرده بودند. داستانهای پر از اغراق با
قهرمان‌های موهوم و کارنمایی‌های از عقل بیرون آنها، یگانه کتابهای مطالعه
با سوادان بودند. بمناسبت و بی‌مناسبت آرا دادن (۲) نثر بایست‌ها و در پرده
عبارت پردازی و قافیه‌آرایی‌ها، پنهان نمودن مضمون، درجه‌اعلای هنر نثر -
نویسی شده بود.

به نثر نوتاجیک با این اسلوب و با این راه کار بردن امکان نداشت. در
نثر نواسلوبی آفریدن (۳) لازم بود که با انتخاب و اخذ بهترین عنعنهای (۴)
نثر کلاسیک، یا نزدیک شدن به سرچشمه‌های خروشان ایجادیات توده خلق،
با از خود کردن بهترین کامیابی‌های نثر نویسی روس و غرب، به طلباتیکه حیات
ینزد نویسندگان میگذاشت، یعنی تصویر حقیقت حیات، تصویر حقایق و واقعی
حیات، هدایت و راهنمایی نمودن خوانندگان بوظیفه‌هایی که در نزد آنها ایستاده
است، جواب داده تواند.

چارچوبه نظم برای دربر گرفتن آن مضمون بزرگی که حیات را فرا
گرفته بود، برای افاده آن جوش و خروشی که در دل‌های بنیادکاران حیات نو
جا داشت، به تصویر آن گیر و دار ساختمان که در مملکت ما دوام می‌کرد،
تنگی مینمود.

استاد بزرگ نظم و نثر تاجیک صدرالدین عینی در یکی از مقاله‌های خود
سبب بعد از سی سال اشتغال باشعر به ساحت نثر گذشتن خود را همین تنگی چارچوبه
نظم نشان داده بود.

عینی در این میدان چون سرباز فداکاری بصف اول برآمده بود. استاد
عینی اولین قصه بدیعی خود را که سرگذشت واقعی يك تاجیک فقیر خانه ویران

۱ - عبارت

۲ - آرایش

۳ - آفریدن اسلوبی

۴ - سنت

میباشد، نوشت و این اولین سنگی بود که به ته کرسی بنای امروزه نشر ژنالیستی تاجیک گذاشته شد.

این قصه که «آدینه» یا سرگذشت يك تاجیک نام دارد تا حال در تاجیکستان بیش از ده بار نشر گردیده، بچندین زبانها ترجمه شده و در تاریخ نشر نو تاجیک موقع بسا افتخارمندانه ای دارد.

اهمیت این اثر اولین (۱) عینی در اینجاست که در آن با تصویرهای زیبا، با تصویرهای حقیقی، حیاتی، با زبان فصیح همه فهم، زندگانی یکنفر تاجیک فقیر که در هیچ دفتر نام و شرح احوالش ذکر نشده بود، تصویر یافته است. مرد زحمتکش با قلم ماهرانه عینی در ادبیات تاجیک اولین بار قهرمان داستان ادبی شد.

عینی در مزرعه نو ادبیات تاجیک اولین دانه تصویر حیات حقیقی، تصویر قهرمانهای واقعی را کشت و آن دانه چنانکه امروز می بینیم ثمر خوبی بیار آورد. عینی باین وجه بحق بنام اساسگذار ادبیات نو تاجیک، يك نویسنده نو آور و حقیقت نگار سزاوار گردیده است.

عینی آن فرزند دهاتی، مردی که در مدت زندگانی و تحصیل سی ساله خود در مدرسه بخارا با طبقه های گوناگون اهالی آمیزش پیدا کرده، با تقاضاهای طبیعت حیات آموزانه خود طرز زندگانی، خلق را بخوبی آموخته، خصلت های آدمیان گوناگون را مشاهده نموده، معلومات زیادی اندوخته بود. این مرد دانمند که شاهد تمام مظالم ساخت منحوس بخارای کهنه بوده، ضرب شلاقهای آن دوره را در پشت خود حس نموده و با قربان دادن دو برادر خود نعمت را بدست در آورده بود، وظیفه ای را که حیات نو بنزد ادبیات میگذاشت بخوبی فهمید.

استاد عینی پس از تشکیل جمهوری تاجیکستان در مدت حیات خلاقه سی ساله خود، حیات سی ساله پرثمر و ولی خیلی پر زحمت و پراستنجوی خود، يك سلسله اثرهای بدیعی آفرید که صحیفه های اولین تاریخ ادبیات نو تاجیک را زینت میدهند.

اولین رومان تاجیکی محصول قلم استاد عینی میباشد. رومان «داخونده» که عینی در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۲۷ بنوشتن آن مشغول گردیده سال ۱۹۳۰ در جشن دهساله بخارا با تمام رسانیده، تاریخ يك دوره زیاد از پنجاه ساله خلق تاجیک را در بر می گیرد. این وقایع در شخص و سرگذشت يك پدر و پسر که

«بازار» و «یادگار» نام دارند، درپیش نظرما مجسم میگردد. دراین رومان احوال پرفاجه کشاورز فقیر و عوام تاجیک، راههای از زمین و آب، از خانه و جا جدا گردیده به مصیبتهای زیاد گرفتار و در بند و خانه بردوش شدن وی تصویر می یابد.

قهرمان قصه اولین عینی «آدینه» با محرومیتها، جلای وطن گردیده، در يك زمستان سرد، در غربی چشم از جهان پوشید. اوقفظ آوازه بزرگ را که به حیات مردم دباروی دیگر گونیهای معجزه آسا خواهد آورد، شنیده بود. ولی جوان دلیر «یادگار» که قهرمان اساسی رومان «داخوانده» میباشد بنام ابن محرومیتها تساب آورده با عمه آنها مردانه مبارزه برده، نهایت بیرونیهای خوشبختانه رسید، خود یکی از اشتراک کنندگان فعال در بنیان گذاری حیات نو در تاجیکستان گردید.

در رومان دیگر عینی که «غلامان» نام دارد و در سال ۱۹۳۵ نوشته شده است دوره برده داری و برده فروشی در بخارای کهنه تصویر یافته است. بلی، در بخارای کهنه، صدسال پیش از این، بازار غلام فروشی بود و انسان طبعاً آزادی دوست را که شرافتمندترین مخلوق عالمها، بناکننده و آفریننده تمام نعمت های مادی میباشد، در بازارها چون گاو و گوسفند میفروختند، در حقوقی انواع ردالتها را و امیدیدند، او را از همه نعمتها و آسایش زندگی محروم نموده، فقط به کار کردن محکوم میسر شدند. در این رومان بواسطه سه نسل يك غلامی که در بازار بخارا فروخته شده بود، از استثمار سخت و بیرحمانه، پراز محنت و محرومیت دوره فتودالی نجات یافتن و از نعمت آزادی بهره مند شدن غلامان دیروزه تصویر میشود.

در این رومان منظره های فجیع استثمار انسان که کشور پهناور ما بآن ابدی خاتمه داده است خواننده را به رعشه میاندازد.

عینی باوقوف تمام به تاریخ گذشته مملکت ما این واقعه ها را زنده، هیجان بخش، با بیان خیلی بدیع و فصیح تصویر کرده است.

استاد عینی يك رشته حکایه (۱) و داستانهای منثور دارد که همه آنها را ذکر کردن باعث درازی این گفتار خواهد شد.

ما در این جاقط دو اثر خیلی مهم را مختصر اذکر میکنیم.

یکی از اینها قصه «سرگ سودخور» میباشد. در این داستان هوس انگیز، حیات يك دولت مند لثیم ممسک، تصویر یافته است که با خاست خود، با بریدن و کم کردن رزق خانواده خود و با سیر کردن شکم خود، بحساب دیگران زندگانی کرده، ثروت اندوخته و جان و دل خود را بآن صندوق های پراز پول بسته، شبیه

روز با فکر محافظه و باز هم زیاد کردن آن میل رزد. در شخصیت قهرمان این قصه که «قاری اشکنبه» نام دارد تمام صفت‌های منفور دولتمندان لئیم جمع آورده شده است.

پول، ایمان «قاری اشکنبه» است. برای اندوختن پول، او هر ذالتی را بخود روا میبیند. همه از او نفرت دارند. عینی با هر يك تصویر خود، شدت این حس نفرت را در خوانندگان میافزاید.

بقول دانشمندان ساحه ادبیات، «مرگ سود خور» با مهارتی که عینی در تصویر این تیپ بکار برده است در این موضوع در ادبیات جهانی از جمله بهترین اثرهاست.

در اثر مهم دیگر عینی که «مکتب کهنه» نام دارد، مؤلف اساساً ایام کودکی خود را تصویر میکند.

این همان مکتب کهنه است که در تمام شرق شکل و ترتیب بهم مشابهی داشته است. در این قصه تمام نواقص اصول تعلیم کهنه بایک اسلوب خیلی تلخ و تند فاش کرده میشود.

عینی در تمام اثرهای بدیعی خود به حقانیت و درستی تصویر واقعه‌ها که اساس اسلوب وی میباشد، صادق است.

عینی شخصیت‌های منفی را با ضرب سخنان نیشدار و تمسخر آمیز خود پامال و محو نموده و نسبت به شخصیت‌های مثبت که کارشان برای جمعیت سودمند است با مهر و محبت فراوانی سخن میراند. او در عصر تصویرهای خود پیرحم و در عین زمان نواز شکار است. حتی در شخصیت‌های منفی نیز بعضی خصایص مثبت از نظر وی دور نمی‌باشد. جنبه حقیقت‌نگاری نویسنده در همین بیان جزئیات، در همین عدالت و حقانیت تصویر، ظاهر میگردد.

اثر ادبی بزرگ پر ارزش آخری عینی که این استاد کلام بدیعی به نسل آینده از خود یادگار گذاشته است «یادداشت‌های چهار جلدی» با تمام نارسیده‌وی میباشند که از قصه گزارشات حیات خودوی در دهات و شهر بخارا عبارت است. این چهار جلد وقایع تا اول عصر ۲۰ را در بر میگیرد.

مادر باره این اثر بزرگ استاد عینی مفصل سخن راندن را به يك گفتار دیگر موقوف گذاشته، در این جا با همین قدر اکتفا میکنیم که این یادداشتها رشته‌ای میباشند که آدمان مثبت و منفی که نویسنده در مدت حیات خود آنها را دیده و کردارشان را مشاهده کرده، هر يك در مقام خود و باریط حادثه‌ها پی هم چیده شده‌اند. قلم ما هر عینی آنها را در نظر ما چنان جلوه گر میکند که مانده تنها ظاهر، بلکه باطن آنها، فکر و اندیشه‌های آنها، تمام هستی آنها را نیز واضح می‌بینیم.

در خواننده حس نفرت و محبت پی در پی جای یکدیگر را میگیرد و این آدمیان با سرگذشت‌های خود، بارفتار و معاملله‌های خود در پیش نظر مانده میشوند.

این است بطور مختصر بیان مهمترین اثرهای بدیعی استاد عینی.

عینی فعالیت خلاقه ادبی خود را بنوشتن اثرهای بدیعی منحصر ننموده بلکه در ساحة ترقیات آینده ادبیات نو تاجیک خدمتهای بزرگی کرده است که عمده ترین آنها تریه نمودن نسل جوان نثر نویسان تاجیک میباشد که هر يك از آنها امروز صاحب چندین اثر شایان دقت بدیعی بوده، در ترقیات نثر بدیعی تاجیک نقش مهمی اجرا کرده اند و میکنند.

نثر نویسان مشهور امروزه تاجیک جلال اکرامی، ساتیم الغزاده، رحیم جلیل، فاتح نیازی، همه خود را شاگردان مکتب ادبی عینی شمرده و با شاگردی این مکتب فخر میکنند.

استاد عینی این نسل اول نثر نویسان امروزه تاجیک را که سن همه آنها حالا از پنجاه گذشته و صاحب تجربه حیاتی و ادبی بزرگی گردیده اند، بایک مهر و محبت پدران تریه کرده است.

نثر امروزه تاجیک چندین اسلوب و سبک‌هایی دارد که در اصطلاح ادبی امروزه «ژانر» نامیده میشود. چنانچه (۱) : رومان، پوویست (۲) حکایه، تصویر واقعی حادثه‌ها و اشخاص که در اصطلاح ادبی «اوپرک» (۳) مینامند و اثرهای صحنوی (۴)، معلوم است که اکثر این سبک‌ها در ادبیات تاجیک امروزه نو میباشند و پیدایش آنها خود یک حادثه قابل توجهی است. نویسندگان نثر نویس امروزه تاجیک در هر يك از این سبک‌ها قوه آزمائی میکنند.

نویسندهٔ پر محصول تاجیک «جلال اکرامی» که اولین حکایه‌هایش سال ۱۹۲۸ در مطبوعات تاجیک نشر شد، امروز صاحب چندین مجموعهٔ حکایه‌ها دربارهٔ کارهای بزرگ ساختمانی که در مملکت پهناور ما دوام دارند، دربارهٔ اشخاصی که در ساحة ترقی و اقتصادیات و مدنیت مملکت ما فداکاری می‌نمایند، اوچر کهای گوناگون و چندین رومان‌ها از قبیل «شادی»، «تار عنکبوت»، «من گنه‌کارم» و «دختر آتش» میباشد. خوانندگان تاجیک اثرهای «اکرامی» را با ذوق و هوس زیادی می‌خوانند. «جلال اکرامی» به غیر اینها چندین اثر صحنه‌وی نیز بوجود آورده است که آنها در صحنهٔ تئاتر دولتی تاجیکستان با موفقیت تمام بنمایش گذاشته شده‌اند.

۲- چنانکه ۲- بزبان روسی بمعنی داستان است.

۳- بزبان روسی بمعنی رساله است ۴- صحنه‌ای

نویسنده «ساتیم الغ زاده» نیز چندین اثر بزرگ از قبیل «صبح جوانی ماء و دیار نو آباد» دارد.

در حکایه ترجمه حالی «صبح جوانی ماء» نویسنده ایام جوانی خود را که بسالهای تأسیس و بنیان گذاری تاجیکستان، بهارهای پر جوش و خروش بنیاد کاران جوانان تاجیک راست میآید، بیان میکند. این جوانان هر گونه دشواریها تاب آورده و ماندها (۱) را ازین برداشته تحصیل خود را دوام میدادند، کسب و هنرها میآموختند و برای خدمت بخلق بکار مشغول می شدند. ساتیم الغ زاده نیز چندین اثرهای صحنه‌وی نیز دارد که نمایشنامه «رودکی» و «گهر شب چراغ» از جمله آنهاست.

رحیم جلیل و فاتح نیازی از جمله نثر نویسان نمایان ادبیات دوره شوروی تاجیک میباشند. رحیم جلیل در «شوراب» رومان خود که جلد دوم آن حالا نشر میشود، احوال و طرز کار کارگران معدنهای ذغال سنگ شوراب را تصویر مینماید.

رحیم جلیل در یک رشته حکایه های هوس انگیز خود، نشان و موهوماتهای (۲) حیات گذشته را فاش نموده، عملیات برپا گردیدن اساسهای نوجبات را تصویر مینماید.

موضوع اساسی «فاتح نیازی» قهرمانیهای مردم شوروی در سال های جنگ وطنی میباشد که خود او یکی از اشتراک (۳) کنندگان آن جنگ بوده است. فاتح نیازی در اثرهایی که در سالهای آخر نوشته است، ساختمان حیات نو را در کشور ما تصویر می کند. نیسازی حالا بنوشتن اثر بزرگی درباره انشآت بزرگ آبیاری و اینکاهای برقی - آبی در تاجیکستان مشغول است.

از بین جوانان نویسندگان زیادی بویا رسیده اند که در سبک های گوناگون نثر بدیمی اثرهای جالب دقتی آفریده اند. از جمله آنها نویسنده جوان «فضل محمد بیف» را باید ذکر کرد که با مشاهده کاری، با فرا گرفتن لحظه های مهم حیاتی و اسلوب فصیح زیبای خود دقت خوانندگان را جلب مینماید.

سالهای آخر در صحیفه های مجله و روزنامه ها، اثرهای نو به نوجوانان نوقلم نشر میشود که آنها اکنون به ساحه ادبیات قدم نهاده و با حکایه و

۱ - موانع

۲ - موهومات

۳ - شرکت

داستانهای خود ما را به آینده درخشان فعالیت ادبی خود امیدوار میکنند.

نثر نویسان تاجیک بهترین عتسه‌های ادبیات کلاسیک ما را از خود نموده، با بهترین آثارهای (۱) استادان بزرگ نثر کلاسیک و معاصر روس و غرب آشنائی پیدا کرده، در موضوعهای حیاتی اثرها بوجود می‌آورند. هر یک از آنان در اثرهای بدیعی خود اساساً آن مردان نیک نام وطن ما را که با کار خود و حیات شخصی خود نمونه عبرت برای دیگران اند، تصویر میکنند. آن‌ها خصلتهای بهترین قهرمانان اثرهای خود را تدبیر و رفتارهای ناشایسته آنها را تنقید (۲) و تقبیح نموده، آن آدم نمونه عبرت‌شونده‌ای را که عضو سز او ارجحیت ما با یدشود، وصف می‌کنند.

هر یک اثر بدیعی در جمعیت ما محض وسیله تفریح نبوده بلکه وسیله تربیه عامه مردمان است و نویسندگان ما در این ساحه خدمت‌های شایانی کرده‌اند و می‌کنند و هر یک از آنها با اثرهای بدیعی خود حصه‌ای بکار بزرگ بنیان‌گذاری و استقرار حیات نو پرورش آدم نو همراه مینمایند.

